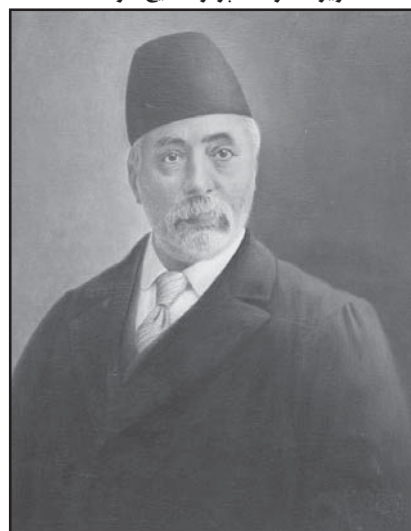




تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در نساجی ایران دوران مشروط

تصویر شماره ۱ - پرتره صنایع الدوله



مرتضی قلی‌خان (صنایع الدوله) فرزند علی‌قلی‌خان مخبر الدوله است. مخبر الدوله فرزند رضا قلی‌خان از نویسندگان بزرگ دوره ناصری است. تذکره مجمع الفصحاء و ریاض العارفین از آثار معروف او می‌باشد. هدایت، تخلص وی بوده و چون در زمان محمدشاه سرپرستی عباس میرزا ملک‌آرا را برعهده داشت به لاله باشی معروف شده بود. مخبر الدوله نیز از رجال دوره ناصری است و از نیمه سلطنت ناصرالدین شاه تا اواخر دوره مظفرالدین شاه در مشاغل عالی و مقامات وزارت باقی بود و به مناسبت اینکه خدمات اولیه‌اش در تلگرافخانه آغاز شد و سال‌ها با سمت وزیر تلگراف اخبار تلگرافی را به عرض شاه می‌رسانید لقب مخبرالدوله گرفت.

مخبرالدوله، مردی تحصیلکرده، سلیم‌النفس و دانش‌دوست بود از مشاغل خویش نیز بهره کافی برد و در حدود سال ۱۳۰۵ از چال میدان به بالای باغ لاله‌زار (یعنی محل فعلی چهار راه مخبرالدوله) آمد و عمارت مفصلی بنیان نهاد و چهار راه مخبرالدوله به نام اوست. تصویر شماره یک، مردی با ابهت با کلاه مشکی قجری، لباس مشکی یقه باز، چشمان درشت و گیرا و حالت دید نافذ را نشان می‌دهد. وی از دانش‌آموختگان دارالفنون و همچنین رشته صنایع از آلمان بود. صنایع الدوله (مرتضی قلی‌خان) فرزند ارشد مخبرالدوله سال ۱۲۷۳ قمری در کوی چال میدان تهران متولد شد.

در سن هفت سالگی تحصیلات مقدماتی را آغاز کرد. سپس صرف و نحو عربی و مقدماتی از ادیبان فرا گرفت. در سال ۱۲۸۷ قمری که ناصرالدین شاه به سفر پرشکوه عتبات رفت، مرتضی‌قلی‌خان و برادرش مهدی قلی‌خان - جزو ملازمان موکب شاه بودند. صنایع الدوله در سال ۱۲۸۸ قمری وارد دارالفنون شد. او از دوران کودکی به انجام کارهای صنعتی علاقه داشت و به همین دلیل پدرش وی را برای ادامه تحصیل به آلمان اعزام داشت. او در مدارس صنعتی برلن با شوق و دقت وافر مشغول تحصیل و فرا گرفتن فنون صنایع شد. در سال ۱۲۹۵ قمری که ناصرالدین شاه دومین سفر اروپا را پیش گرفت، مرتضی قلی‌خان

که جوانی محصل بود چند روز در برلن سمت منشی و مترجم شاه را داشت. اواخر سال ۱۲۹۵ قمری، عباس‌قلی‌خان -فرزند کوچک مخبرالدوله- درگذشت و صنایع الدوله برای تسلی پدر و مادر چندی به تهران آمد و پس از ۱۰ ماه به برلن بازگشت. او در این سفر مهدی‌قلی‌خان -برادر کوچک خود- را هم به توصیه پدرش برای ادامه تحصیلات به آلمان برد. مرتضی قلی‌خان پس از سال‌ها تحصیل از مدرسه صنعتی برلن در رشته معدن شناسی گواهینامه گرفت و در میان شاگردان همدوره خود رتبه اول را به دست آورد و اولیه مدرسه به او مدال علمی دادند.

از آن پس چند سال در کارخانه‌های بزرگ برلن و بروکسل به مطالعه و کسب تجربیات علمی پرداخت. مرتضی قلی‌خان در مدت اقامت طولانی در اروپا علاوه از تحصیلات فنی و تخصصی در معدن شناسی و مطالعات صنعتی، در مقررات و قوانین و نظامات اجتماعی اروپا به خصوص آلمان نیز اطلاعات سودمندی کسب کرد و در سال ۱۳۰۸ قمری به ایران بازگشت. مرتضی قلی‌خان چند هفته پس از مراجعت به اتفاق پدرش خدمت ناصرالدین شاه رسید، مورد تشویق واقع شد و به امر شاه خدمت خود را در اداره معادن که تابع وزارت علوم و زیرنظر مخبرالدوله بود؛ آغاز کرد. پس از این که محمدحسن خان صنایع الدوله

لقب اعتماد السلطنه گرفت؛ مرتضی قلی خان به صنایع‌الدوله ملقب شد.

صنایع‌الدوله در سال ۱۳۱۱ قمری به فکر تأسیس یک کارخانه بافندگی و ریسمن‌ریسی افتاد و با تلاش پر رشور در این راه کوشید. برای تحصیل سرمایه، حاج محمدتقی شاهرودی را در این کار شرکت داد و ماشین‌های متعدد ریسمن‌ریسی و پارچه‌باقی از کارخانه ویتورتور سوئیس خریداری نمود.

کارخانه ریسمن‌ریسی صنایع‌الدوله در سال ۱۳۱۲ قمری در محل گاراژی که اکنون در خیابان سعدی شمالی فعلی واقع است، افتتاح شد.

صنایع‌الدوله از شاه برای بازدید از کارخانه دعوت کرد. شاه از این کارخانه دیدن نموده، شاهرودی و صنایع‌الدوله را تشویق کرد و گفت: «لقبی را که به جا دادیم لقب صنایع‌الدوله است».

از این پس کارخانه ریسمن‌ریسی شروع به کار کرد و محصول آن به بازار مملکت عرضه شد. پس از چندی محصول چلووار این کارخانه نیز به بازار تهران آمد اما کم‌کم سیاست اقتصادی روس و انگلیس از گسترش کار این کارخانه جلوگیری کرد.

باید توجه داشت در آن زمان تمام مراحل تولید پارچه با دست و به صورت مستمر و آهسته انجام می‌شد و مقدار تولید نخ‌ریسی و بافندگی بسیار کم بود به طوری که یک کارگر در روز می‌توانست به وسیله یک دوک دستی و چرخاندن آن در ۸ ساعت حدود یک‌صد گرم نخ را به دور یک بسته تهیه نماید و یا طی ۸ ساعت روی ماشین‌های دستی و چوبی بافندگی حدود ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متر پارچه ببافد. پس قیمت پارچه هم بسیار گران بود.

با این کار که صنایع‌الدوله انجام داد؛ تحولی در نساجی ایجاد کرد و باعث حرکات موثر بعدی توسط اشخاصی مانند عطاءالملک در اصفهان شد. نخستین کارخانه چلواریافی ایران در سال ۱۲۷۵ قمری به دستور ناصرالدین شاه به وسیله میرزا محمودخان ناصرالملک از روسیه خریداری شد و در زمین‌هایی که بعدها به

ضرابخانه اختصاص یافت، به کار افتاد اما در سال ۱۲۷۹ قمری تعطیل شد.

صنایع‌الدوله همزمان با فعالیت کارخانه ریسمن‌ریسی به ایجاد کارخانه کوره آهن ترابی اقدام و در نوروز سال ۱۳۱۳ قمری ناصرالدین شاه از این کارگاه دیدن کرد و برای تشویق او سفارش داد تعدادی پایه فلزی برای نصب فانوس در باغ‌های سلطنتی بسازند و از این بابت مقداری پول برای کمک به کارگاه داد. پایه‌های چراغ و چند نوع چراغ چدنی و فلزی از این کارگاه بیرون آمد که به «چراغ صنایع‌الدوله» معروف شد اما فروش مصنوعات کارگاه آنقدر نبود که مخارج آن را تدارک کند و صنایع‌الدوله هم سرمایه بزرگی برای این کار نداشت از رجال پول‌دوست نیز کسی به یاری او بر نمی‌خاست به همین دلیل کارگاه به تدریج تعطیل شد.

صنایع‌الدوله ضمن آنکه به کار خود در اداره معادن ادامه می‌داد مطالعات خویش را برای استفاده از منابع و ثروت‌های زیرزمینی دنبال می‌کرد.

او در سال ۱۳۱۱ قمری با اجازه ناصرالدین شاه با استدعای مخبرالدوله با احترام السلطنه -دختر مظفرالدین میرزا ولیعهد- ازدواج کرد و در سال ۱۳۱۲ قمری که مظفرالدین میرزا به تهران آمده بود نزد صنایع‌الدوله چهار عمل اصلی و چهار عمل اعشاری می‌خواند.

در آن زمان عمل حسابداری یا سیاق نویسی انجام می‌شد و محاسبه با ارقام ریاضی را حتی اغلب مستوفیان و حسابداران نیز نمی‌دانستند مظفرالدین شاه هم قبلاً سیاق نویسی آموخته بود و حساب ارقام ریاضی را نزد صنایع‌الدوله فرا گرفت.

در سلطنت مظفرالدین شاه پس از عزل اتابک در کابینه‌ای که به ریاست سنی مخبرالدوله -وزیر داخله-، تحت نفوذ فرمانفرما -وزیر جنگ- و شیخ محسن خان مشیرالدوله -وزیر خارجه- تشکیل شد؛ صنایع‌الدوله به وزارت خزانه منصوب گردید.

وزارت خزانه از چند سال پیش توأم با وزارت

گمرک در اختیار سپهدار تنکابنی بود. در سال ۱۳۱۵ قمری که امین الدوله به ریاست وزراء رسید برای انجام کارهای ضروری دولت از خزانه ۶۰ هزار تومان پول خواست.

صنایع‌الدوله این پول را با گرو گذاشتن نقره‌های پشتوانه از بانک استقراضی روس فراهم کرد ولی سعایت میرزا محمدخان حکیم‌الملک پس از چند هفته موجب برکناری او شد و وزارت خزانه را به مشیرالسلطنه سپردند. همزمان با این تغییر، ناصرالسلطنه هم از ضرابخانه و گمرک معزول گردید و ضرابخانه بار دیگر در اختیار امین‌الضرب درآمد.

گمرک شمال و جنوب به پیشنهاد حسین‌قی خان نظام السلطنه به سعدالملک مافی -برادر زاده نظام السلطنه- و گمرک شمال به فتح‌اله خان بیگلر بیگی واگذار شد.

صنایع‌الدوله از امین الدوله و حکیم‌الملک به شاه شکایت نامه‌هایی نوشت. در ادامه صنایع‌الدوله به ریاست قورخانه منصوب گردید. امین الدوله که خود مردی مطلع و خدمتگذار بود طبعاً بایستی وجود صنایع‌الدوله را برای همکاری خود مغتنم می‌شمرد اما رعایت خواسته‌های حکیم‌الملک طماع -که به واسطه طبابت در نزد شاه نفوذ فوق‌العاده‌ای داشت- برای مصلحت زمامداری خود را لازم می‌دید و همین مصلحت‌اندیشی موجب عزل صنایع‌الدوله شد. وی مدتها گرفتار عواقب قرضه و بروات خزانه بود و سرانجام پس از زمامداری مجدد اتابک حساب وی تسویه شد و حاج محمدحسن امین‌الضرب نقره‌ها را از گرو درآورد.

در شال ۱۳۱۶ قمری صنایع‌الدوله سرپرستی پست ایران را بر عهده گرفت و برای پستخانه که تا آن زمان به صورت کنترات اداره می‌شد، سالی ۳ هزار تومان حقوق تعیین کرد در حالی که پستخانه حداقل سالی ۱۵ هزار تومان برای کنترات‌چی درآمد خالص داشت. صنایع‌الدوله در اصلاح پستخانه کوشید و پس از دو سال باز هم سوءنیت و فشار میرزا محمودخان حکیم‌الملک، اتابک را وادار نمود تا

پستخانه را هم از صنایع الدوله گرفته به وزیر همایون که از ایادی حکیم‌الملک بود؛ دادند. صنایع الدوله که از این تغییرات پیاپی آزردہ خاطر شدہ بود نزد صفی‌علی‌شاہ شکایت می‌کرد.

صفی گفته بود: «این تغییرات که برای شما مرتب پیش می‌آید به علت ناہم‌رنگی شماس، شما ہم‌رنگ این مردم نیستید.» صنایع الدوله در سال ۱۳۲۰ قمری برای خرید کشتی جنگی به دستور شاہ به انگلستان رفت چون کشتی جنگی ناصری فرسودہ شدہ بود؛ کشتی جنگی جدید و مجهز به توپ‌های سنگین خریداری کرد و به ایران وارد نمود. این ناو به «کشتی مظفری» نام‌گذاری گردید و در آب‌های مرزی جنوب ایران پاسداری می‌گرد.

صنایع الدوله از این پس فعالیت تازہ‌ای در رشتہ تخصصی خود یعنی معدن شناسی شروع کرد و به اتفاق چند نفر از شاگردانش که نزد وی بہ کارهای مکانیکی و معدن شناسی آشنا شدہ بودند بہ مطالعہ پرداخت. در اطراف تہران و شہرهای مرکزی ایران مسافرت می‌کرد و روی استخراج معادن با عشق مفرط بررسی می‌نمود.

ہمچنین برای ایجاد راہ‌آہن و ارتباط تہران و مازندران نقشہ‌ها می‌کشید. امین‌الضرب برای حمل چوب از جنگل محمد آباد ہفت کیلومتر راہ آن کشیدہ و چندین واگن باری ہم در آنجا داشت، این خط و واگن‌های آن بابت غرامت بہ تصرف دولت درآمده بود.

صنایع الدوله با اجازہ شاہ این خط را تعمیر کرد و درصدد بر آمد کہ برای استخراج معدن آہن خط را امتداد دہد و از آن استفادہ کند. چندی در این راہ تلاش کرد و رنج برد اما بی‌نظمی مملکت و نداشتن سرمایہ باز ہم او را با عدم موفقیت روبرو ساخت.

در آن زمان کہ جز راہ آہن وسیلہ نقلیہ سریع‌السیری نبود، صنایع الدوله می‌خواست شہرهای ایران با راہ آہن بہ ہمدیگر متصل گردد تا علاوہ بر سہولت سفر، طرق اقتصادی

کشور گشودہ شود و مشکلات از میان برداشتہ شود او بہ خصوص با ایجاد راہ‌آہن تہران و مازندران علاقہ بسیاری داشت و معتقد بود کہ با ایجاد این خط از قحطی‌های مصنوعی کہ بیشتر بہ تحریک ایادی سیاست خارجی در تہران برپا می‌گردد جلوگیری خواہد شد و سیاست خارجی نخواہد توانست با «سیاست نان» مقاصد سوء خود را بر دولت‌ها تحمیل کند و بر آن شد کہ احداث این خط را ابتدا بین تہران و ورامین شروع کند مخصوصاً در زمان تصدی وزارت دارایی تلاش بسیار کرد و با یک کمپانی آلمانی مذاکراتی انجام داد کہ ورامین (یعنی انبار گندم تہران) را بہ پایتخت متصل کند اما کوشش او در این راہ نیز بی‌ثمر ماند.

چندی ہم برای بہ کار انداختن کارخانہ کبریت‌سازی امین‌الدولہ در الہیہ شمیران فعالیت کرد ولی چوب مخصوص کبریت بہ اندازہ کافی فراہم نمی‌شد و ہمچنان کہ امین‌الدولہ در دائر نگاہداشتن این کارخانہ موفقیت بہ دست نیاوردہ بود صنایع الدولہ ہم از تلاش خود ثمری عاید نکرد.

مدتی ہم متوجہ کارخانہ قند کھریزک شد اما بہ واسطہ کمبود چغندر قند، کارخانہ تولید کافی نداشت و مخارج خود را جبران نمی‌کرد. در سال ۱۳۲۳ قمری صنایع الدولہ کہ با دستیارانش در اطراف تہران بہ جست‌وجو و بازدید معادن مشغول بودند بہ «کان سرب پس قلعہ» دسترسی پیدا کرد و از این کشف بہ قدری خوشحال شد کہ تمام رنج‌ها و شکست‌های خود را از یاد برد.

مقداری از سنگ‌های این معدن را برای تجزیہ بہ آلمان فرستاد و پس از ۶ ماہ کہ نتیجہ تجزیہ از آلمان بہ دست او رسید؛ معلوم شد سنگ‌های این معدن ۳۰ درصد نقرہ و ۱۰ درصد سرب دارد، برای استفادہ از این معدن ثروت، کورہ و وسایل لازم از اروپا وارد کرد و در تپہ‌های داودیہ شمیران، کورہ و کارگاہ مفصلی برای ذوب سنگ‌های معدم فراہم آورد و کارگران بسیاری را بہ کار گماشت.

کورہ مذکور با زحمت زیاد بہ کار افتاد ولی از این پس اشتغالات سیاسی صنایع الدولہ باعث کندی کار این پایگاہ صنعتی شد. پس از مرگ او چندین ہزار متر زمین محوطہ و حریم کورہ، ضمیمہ اراضی وسیع دولتی با معاضدت مأموران و مہندسین ثبت، برای تعدادی از زمین‌خواران سند مالکیت صادر گردید و تلاش دستگاہ قضایی برای استرداد این اراضی بہ جایی نرسید.

در عین حال کہ تلاش‌های صنایع الدولہ برای پیشرفت صنایع، تلاش مقدسی بود اما نتیجہ عمل نشان می‌دہد کہ او در آغاز این تلاش‌ها، پایان کار را درست نمی‌سنجید و در این اہداف عاقبت اندیشی نداشت.

صنایع الدولہ چون متجدد، اروپا دیدہ و تحصیلکرده بود و داماد شاہ ہم بود مورد استقبال مظفرالدین شاہ قرار داشت. شاہ بعد از سفر اول فرنگ بہ فکر ایجاد حکومت قانونی و تأسیس پارلمان افتاد و صنایع الدولہ از زمرہ مستشاران خیرخواہی بود کہ در مواقع مقتضی این فکر شاہ را تقویت می‌کرد.

پس از برکناری عین الدولہ و صدور فرمان مشروطہ، صنایع الدولہ، محتشم‌السلطنہ و مخبرالسلطنہ از طرف میرزا نصرالہ خان مشیرالدولہ نائینی بہ رستم آباد شمیران دعوت شدند و بہ اتفاق دو فرزند مشیرالدولہ کمیسیون تشکیل دادند و نظام‌نامہ انتخابات را نوشتند. ریاست کمیسیون با صنایع الدولہ بود. نظام‌نامہ انتخابات بہ توشیح شاہ رسید و در انتخابات دورہ اول کہ صنفی بود، صنایع الدولہ بہ نمایندگی صنف اعیان و ملاکین برگزیدہ شد.

در ادامہ نمایندگان منتخب تہران در کاخ گلستان شرفیاب شدند و در مدرسہ نظام، صنایع الدولہ بہ ریاست مجلس برگزیدہ شد و خدمات ملی او از ہمین هنگام آغاز گردید.

وظیفہ ریاست مجلس برای کشور و مردمی کہ معنی مشروطہ و مجلس را نمی‌دانستند کاری بس دشوار بود نہ تنها مردم بلکہ بیشتر نمایندگان ہم بہ وظیفہ خود و حدود



اختیارات مجلس آشنا نبودند و نمی دانستند چه باید کنند! دولت و رجال مستبد دولت هم به آسانی حاضر نبودند از اقتدار خود بکاهند آنها می خواستند مجلس فقط مرکز قانون گذاری باشد و در امور سیاسی و اجرایی به مجلس حق مداخله نمی دادند؛ چنان که مشیرالدوله در همان روزهای اول مجلس به سعدالدوله گفته بود: « اینجا مشروطه نیست شاه یک مجلسی به شما داده که بنشینید و قانون وضع کنید! » صنایع الدوله در چنین شرایطی رئیس مجلس شد و با کمک جمعی از نمایندگان تحصیل کرده و آزادی خواه توانست با نهایت متانت و حسن نیت و کلا را به وظیفه خود آشنا کرده و مفهوم حکومت مشروطه را به جمعی از مردم بفهماند و دولت و رجال و وزیران مغرور و خودسر را در برابر قدرت مجلس به تمکین و اطاعت وا دارد.

قسمت اصلی قانون اساسی به سعی همین مجلس به توشیح شاه که در بستر احتضار بود و به امضای ولیعهد رسید، متمم قانون اساسی را هم همین مجلس تصویب کرده با هزار زحمت به توشیح محمدعلی شاه رسانید، کمیسیون هایی که برای تهیه و تنظیم قانون اساسی و متمم اساسی تشکیل می شد همه با شرکت صنایع الدوله و یا زیر نظر او بود. گرچه اکثر نمایندگان مجلس اول، عوام بودند اما بیشتر آن نمایندگان به وظیفه خود ایمان داشتند و عواطف ملی و مذهبی و همچنین قانون خواهی آنان تا حدتعبص قوی بود و با چنین ایمانی موفق به چنین خدماتی شدند. به قول مجله کاوه « مجلس اول که مادر مشروطیت ایران بود نه تنها مجلس ملی بلکه مجلس اساسی و بزرگترین، بهترین، پرشورترین و کاری ترین مجلس ایران بود. » قسمت عمده این خدمات که در تاریخ مشروطه و تاریخ پارلمان ایران، کم نظیر است به رهبری صنایع الدوله و چند نفر از شخصیت های معتدل و آزموده ای که در مجلس بودند انجام گرفت. وی مجلس را با متانت و بی طرفی اداره می کرد

این اشتباه شد.

صنایع الدوله در مازندران ملکی داشت و یک مهاجر تفلیسی به نام ایرالوان چایکار بود و در مزرعه صنایع الدوله کار می کرد. وی با یک گرجی تبعه روش به نام ایوان که در تهران کارگر چاپخانه بود دوست شد و سال ۱۳۲۹ قمری این دو نفر به جلوی منزل صنایع الدوله رفتند و هنگامی که جلوی منزلش از کالسکه پیاده شد، ایرالوان جلو رفته پاکتی به دست او داد.

صنایع الدوله با خوشرویی پاکت را گرفت همین که مشغول باز کردن پاکت شد از دو طرف هدف گلوله واقع گردید و پنج گلوله به سر و صورت او خالی شد و همان جا به زمین افتاد. جنایتکاران قصد فرار داشتند ولی پلیس دو فرارش آنها را تعقیب و دستگیر کردند.

جسد نیمه جان صنایع الدوله را به اندرون بردند و دکتر اسکات طبیب و جراح مخصوص بانک شاهی - برای معالجه نزد وی آمد اما مفید واقع نشد. صنایع الدوله درگذشت و در مقبره هدایت در خیابان استانبول به خاک سپرده شد.

صنایع الدوله از چهره های روشن تاریخ مشروطه ایران است. او یک ایرانی پاکدل بود و در وطن خواهی و علاقه مندی به حفظ استقلال ایران صداقت و صمیمیت داشت.

به ترویج صنایع علاقه مند بود و تلاش و کوشش دلسوزانه او برای ایجاد صنایع و پیشرفت اقتصاد ایران در کمتر کسی از رجال معاصر وی دیده شد اما تلاش های او با عاقبت اندیشی همراه نبود به همین دلیل کوشش وی غالباً بی ثمر و بی نتیجه می ماند.

افکار آزادی خواهانه و معتدل او در تثبیت حکومت مشروطه و استقرار قدرت پارلمان تأثیری بسزا داشت و همان طور که مجلس اول، ملی ترین و با ایمان ترین دوره های مجلس است، صنایع الدوله نیز در زمره بی غرض ترین کسانی است که بر مجلس ریاست کرده اما استعفا ی او از ریاست مجلس اشتباهی بود که پارلمان را متشنج و ضعیف کرد.

و در پیشرفت آزادی و دموکراسی با روشی معتدل و بخردانه می کوشید و حدود اختیارات و احترامات سلطنتی را هم کاملاً محفوظ می داشت تا هنگامی که اتابک به ایران آمد و زمامداری سوم خود را آغاز کرد.

شخصیت و نفوذ اتابک تا حدی جلوی هرج و مرج و آشوب فتنه گران و ماجراجویان سیاسی را گرفت اما چندماه از زمامداری او نگذشته بود که حادثه ترور وی در جلوی مجلس رخ داد. قتل اتابک درست در روزی انجام شد که قرارداد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس به امضا رسید و متعاقب امضای همین قرارداد هجوم قشون عثمانی در مرز آذربایجان آغاز شد و اختلاف بین شاه و مجلس شدت یافت.

قتل اتابک همه رجال از جمله صنایع الدوله را سخت مرعوب کرد وی تهدید به قتل شد و و از ریاست مجلس استعفا داد. اصرار اکثریت نمایندگان مجلس در او اثر نکرد.

جمعی از مجلسیان بر آن شدند که وی را از تصمیم استعفا بازدارند ولی صنایع الدوله خود و افراد خاندانش به مناسبت روابط حسنه ای که با اتابک داشتند، چنان مرعوب شده بودند که دیگر به هیچ قیمت حاضر به پذیرش ریاست مجلس نشد.

این استعفای صنایع الدوله یک خبط سیاسی بود زیرا کناره گیری وی پارلمان را دچار ضعف و بی نظمی کرد و متأسفانه با همه فداکاری و صداقی که در وطن خواهی داشت مرتکب